

88033 - جهان پس از آن که عدم بوده به وجود آمده است

سوال

آیا این سخن درست است؟ و یا آن که شامل اشکالات شرعی است؟ با علم به این که این دو بیت از متن «زبد ابن ارسلان» است: با قلب خود یقین دارم و به جزم می‌گویم که جهان را پس از آن که عدم بود به وجود آورد نه برای آن که خداوند به آن نیازی داشت و اگر می‌خواست رهاش می‌کرد و آغازش نمی‌کرد. لطفا پاسخ دهید.

پاسخ مفصل

این دو بیت معنایش صحیح است و شامل اشکال شرعی نیست و سه مسئله را در بر دارد:

نخست: این که جهان پس از آن که عدم بوده به وجود آمده است و این حق است و شکی در آن نیست، زیرا هر آن چه جز الله است مخلوق است و پس از عدم به وجود آمده، چنان که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

{لِلَّهِ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ} زمر: ۶۲

(الله آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان است).

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید:

«اما جهان مخلوق، وجودی ندارد مگر از سوی خالق سبحانه و تعالی که این حق است، سپس او خالق و پروردگار و مالک همه کائنات است. چیزی نمی‌شود مگر با قدرت و مشیت و آفریدن او [و] او خالق هر چیزی است، سبحانه و تعالی» (مجموع الفتاوی: ۲/۲۷).

وی همچنین می‌گوید: «در نتیجه آن چه عقلای همه ملت‌ها از فلاسفه و دیگران با صریح معقول فهمیده‌اند، مؤید چیزی است که پیامبر آورده در برابر اقوالی که در میان امت او در مخالفت با سخنان او گفته شده و آن چه از طریق شرع با صریح عقل دانسته شده همچنین مخالف سخن فلاسفه دهری است که معتقد به قدیم بودن چیزی از هستی همراه با الله اند؛ بلکه قول به قدیم بودن عالم سخنی است که جمهور عقلا بر بطلان آن متفق‌اند، بنابراین تنها اهل ملت [اسلام] نیستند که آن را باطل می‌دانند بلکه اهل همه ملت‌ها و جمهور دیگران از مجوسیان و اصناف مشرکان یعنی مشرکان عرب و مشرکان هند و دیگر امت‌ها و جماهیر بزرگان فلسفه همه معترف به این هستند که این جهان محدث است و پس از آن که نبوده به وجود آمده و بلکه عموم آنان معترف‌اند که الله خالق همه چیز است و عرب‌های مشرک نیز همه بر این معترف بودند که الله خالق همه چیز است و این که این جهان همه‌اش مخلوق است و الله خالق و پروردگار آن است» (مجموع الفتاوی: ۵/۵۶۵).

دوم: این که الله جهان را آفریده بی آن که نیازی به آن داشته باشد و این نیز حق است و شکی در آن نیست زیرا او سبحانه و تعالی بی نیاز است و همه جز او فقیر و محتاج به اویند، چنان که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ فاطر: ۱۵

(ای مردم این شمايید که به الله نیازمندید و الله همان بی نیاز ستوده شده است).

شیخ ابن سعدي - رحمه الله - در تفسیر خود (۶۸۷) می گوید:

«پروردگار متعال همه مردم را مورد خطاب قرار می دهد و آنان را از حال و وصف خودشان آگاه می کند و این که آنان از همه وجود نیازمند به الله هستند:

از جهت ایجاد نیازمند اویند، چرا که اگر آنان را ایجاد نکرده بود، وجودی نداشتند.

از جهت قدرت ها و اعضا و جوارح نیازمند اویند زیرا اگر آنان را به این نیروها مجهز نساخته بود برای هیچ عملی آمادگی نداشتند.

از جهت روزی و نعمت های ظاهر و باطن نیز محتاج اویند، چه اگر فضل و احسان و آسان سازی کارها توسط او نبود، هیچ یک از روزی ها و نعمت ها برایشان حاصل نمی شد.

از جهت دور ساختن نعمت ها و دور ساختن ناخوشی ها و از بین رفتن سختی ها و مشکلات، زیرا اگر این ها را از آنان دور نمی ساخت مشکلاتشان را برطرف نمی کرد، دشواری های آنان ادامه می یافت.

همچنین آنان با انواع تربیت و انواع تدبیر نیازمند اویند.

آنان از جهت احساس نیاز و محبت به او و عبادتشان و خلاص گرداندن عبادت برای او، نیازمند اویند، که اگر به آنان توفیق این را نمی داد بی شک هلاک می شدند و روحشان و دلها و احوالشان فاسد می شد.

از جهت آموختن آنچه نمی دانند و دانستن آنچه به سودشان است نیازمند اویند، چرا که اگر آموزش او نبود چیزی نمی آموختند و اگر توفیق او نبود به صلاح نمی آمدند.

بنابراین آنان از هر جهت ذاتا و به تمام معنی و به هر اعتباری نیازمند اویند، چه برخی از انواع این فقر را احساس کنند یا خیر، اما آنان که توفیق یافته اند کسانی اند که فقر خود را در همه حال در امور دین و دنیا مشاهده می کنند و به سوی او تضرع می کنند و از او می خواهند که آنان را به اندازه چشم به هم زدنی به خودشان وانگذارد و در همه امورشان آنان را یاری کند و این معنا را در همه حال به یاد دارند و چنین کسانی بیشتر شایسته یاری کامل از سوی پروردگارانند، پروردگاری که از مادر مهربان تر است.

﴿و الله همان بی نیاز ستوده شده است﴾ یعنی اوست که از همه و جوه کاملاً بی نیاز است و به آن چه خلقش محتاج آن هستند بی نیاز است و به هیچ چیز که بندگانش نیازمند آن هستند نیازی ندارد و این به سبب کامل بودن صفات اوست و این که صفات او همه صفات کمال و جلال است.

و از غنای اوست که آفریدگان را در دنیا و آخرت بی نیاز می سازد، و در ذات خود و نامهای خود ستوده شده است زیرا این نامها همه نیک است و اوصافش همه والاست و کارهایش همه فضل است و احسان است و عدل و حکمت و رحمت و در امر و نهی اش [نیز چنین است] بنابراین او برای صفاتی که در وی هست و برای کارهایی که از او سر می زند و در بی نیازی اش ستوده شده است و در این ستایش بی نیاز است.

طحاوی - رحمه الله - در عقیده مشهور خود می گوید: «این برای آن است که او بر هر کاری توانا است و هر چیزی به او نیازمند است و هر کاری برایش آسان است؛ به چیزی نیاز ندارد و چیزی همانند او نیست و اوست شنوای بینا».

سوم: این سخن که «و اگر می خواست، بدون آن که آغازش کند ترکش می کرد»، زیرا الله تعالی فاعل از روی اختیار است نه موجب به ذات، چنان که فلاسفه می گویند، بنابراین اگر نمی خواست جهان را خلق نمی کرد اما آن را با مشیت و اختیارش آفرید و این حقی است که نصوص دال بر آن است، چنان که می فرماید:

﴿فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾ بروج: ۱۶

(انجام دهنده هر چیزی است که می خواهد)

و می فرماید:

﴿وَرُبُّكَ يُخَلِّقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ﴾ قصص: ۶۸

(و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند).

والله اعلم.